

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال سیزدهم، شماره چهارم

زمستان ۱۳۹۱، شماره مسلسل ۵۲

رفتار شناسی امام رضا(ع) در جریان غلو

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۲/۳/۲۶

دکتر نعمت الله صفری فروشانی*

زهرا بختیاری**

پدیده غلو آفتی است که به دلایل مختلف در میان شیعیان، مانند دیگر گروه‌های اسلامی و غیر اسلامی راه یافت و عده‌ای را به بیراهه کشاند. عقاید غالیان شیعی دارای نظم و انسجام خاصی نبود، ولی بنیان عقاید آنها بر درجه خدایی و الوهیت قائل شدن برای پیامبر اعظم⁶ و به مقام خدایی و نبوت رساندن ائمه معصوم استوار بود. غالیان با افکار و گفتار خود، اصل توحید را هدف قرار می‌دادند. در نتیجه با توجه به اهمیت مسئله، ائمه شیعه از راه‌های مختلف و به شدت با غلو و غالی‌گری به مبارزه می‌پرداختند و افکار و گفتار غالیان را نفی می‌کردند. در این راستا امام رضا⁷ به شدت با غالیان برخورد کرد و آنها را طرد و لعن نمود. بررسی مواضع امام رضا⁷ پس از بیان پاره‌ای از افکار، گفتار و رفتار غالیان آن زمان، موضوع نوشتار حاضر است.

واژه‌های کلیدی: امام رضا⁷، رفتارشناسی، غالیان، غلو، الوهیت.

مقدمه

* دانشیار جامعه المصطفی العالمیه⁶

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم⁷

جریان غلو در طول تاریخ، افت و خیزهایی داشته و غالبان در دوره‌های مختلف، عقاید گوناگونی را ابراز کرده‌اند. با توجه به این که مسئله اصلی همه ادیان الهی و دین مبین اسلام، توحید بوده است و غلات با عقاید باطلشان، توحید را نشانه گرفته بودند و در حقیقت، پایه دین را هدف قرار داده بودند. امام رضا 7 و سایر امامان شیعه که جانشینان رسول گرامی اسلام 6 هستند، در مبارزه و برخورد با آنها و بیان حق و اثبات آن، هیچ‌گونه تسامح و کوتاهی از خود نشان نمی‌دادند و با تمام توان برای نابودی افکار باطل غالبان می‌کوشیدند. در همین راستا، در این پژوهش سعی داریم، پس از بیان برخی از عقاید، آموزه‌ها، فعالیت‌ها و اهداف غلات در زمان امام رضا 7، به بیان مواضع و دیدگاه‌های آن حضرت 7 درباره آنان بپردازیم.

پیشینه تحقیق

دباره امام رضا 7 و غالبان، کتاب‌ها و مقاله‌های مختلفی نوشته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. درباره امام رضا 7، کتاب‌های بسیاری نوشته شده است که از آنها می‌توان به آثار کنگره امام رضا 7 و کتاب *الحياة السياسية للإمام الرضا 7* نوشته جعفر مرتضی حسینی عاملی اشاره کرد.

هم‌چنین، درباره غالبان، تحقیق‌های مختلفی صورت گرفته که از جمله آنها می‌توان از «*الغلو و الموقف الاسلامی*» نوشته سعد متعب المنصوری، «*الغلو و الفرق الغالیة فی الحضارة الاسلامیة*» نوشته عبدالله سلوم السامرائی و کتاب «*غلو (درآمدی بر افکار و عقاید غالبان در دین)*» از نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی یاد کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اثر در این زمینه، کتاب «غالبان؛ کاوشی در جریان‌ها و برآیندها» از نعمت‌الله صفری فروشانی است.

هم‌چنین از مقاله‌های نوشته شده در این زمینه، می‌توان از مقاله «جریان شناسی غلو» نوشته نعمت‌الله صفری که در مجله علوم حدیث، شماره یک چاپ شده است، نام برد.

دیگر مقاله‌ای که به طور مستقیم به موضوع این بحث پرداخته است، مقاله‌ای با عنوان «موضع امام رضا 7 در برابر غلات» نوشته مهدی اسفندیاری، چاپ شده در شماره سیزدهم مجله اندیشه است. با توجه به اهمیت موضوع، نوشته پیش‌رو درصدد است در طرح و قالبی نو به بسط و گسترش و تحلیل موضوع بپردازد.

شناخت جریان غلو در زمان امام رضا 7

فعالیت غالیان در زمان امام رضا 7 با نام خاص و با عنوان فرقه‌ای جداگانه مطرح نشده است. در واقع از زمان امامت امام رضا 7 تا زمان حیات امام حسن عسکری 7 کمتر مواردی می‌یابیم که به عنوان فرقه‌های غلات مطرح شده باشند. در آن زمان‌ها، بیشتر اشخاصی که به عنوان غالی مطرح بودند، طرفدار فرقه‌های معروف غلات مانند خطایه بودند. بنابراین می‌توان این دوره را، دوره غلات بدون نام فرقه نام‌گذاری کرد.^۱

در زمان امامت امام رضا 7، غالیان زیادی فعالیت می‌کردند که با توجه به روایت‌هایی مانند روایت نقل شده از یونس بن عبدالرحمن^۲ که در قسمت مواضع امام 7 خواهد آمد و از آن جا که بیشتر غالیان ذکر شده در منابع رجالی از اهالی کوفه بودند، به نظر می‌رسد محل فعالیت آنها بیشتر در عراق و کوفه؛ یعنی دور از محل سکونت امام رضا 7 در مدینه بوده است.

برخی از غالیانی که در این دوره می‌زیستند و یا فعالیت می‌کردند، عبارت بودند از:
۱. یونس بن ظبیان: درباره او نقل شده است که وقتی دختر ابوالخطاب از دنیا رفت، یونس سر قبر او رفته و گفت:

السلام علیک یا بنت رسول الله؛^۳

این مطلب نشان می‌دهد که یونس، ابوالخطاب را پیامبر خدا می‌دانسته و از پیروانش بوده است. هم‌چنین، گفتار شیطانی و باطلی نیز از او روایت شده است. وقتی این مطالب به وسیله فردی از غالیان به اطلاع امام رضا 7 رسید، آن حضرت 7 بسیار خشمگین شد و

او، یونس و دیگر غالیان را به شدت لعن کرد. گفته شده است که این غالی هنوز ده قدم از امام 7 دور نشده بود که غش کرد، قی نمود و مرد.^۴

یونس بن ظبیان، یکی از غالیان معروف زمان امام رضا 7 بوده است. او اهل کوفه بود^۵ و در کتاب‌های رجال از وی با عنوان کذاب^۶ و جعل کننده حدیث^۷ یاد می‌شود. شدت کذب و غلو یونس بن ظبیان، به حدی بود که نام او را در کنار نام رهبرش آورده و گفته‌اند:

من الکذابين المشهورين: ابوالخطاب و یونس بن ظبیان.^۸

با توجه به این که یونس بن ظبیان، فردی خطابی معرفی شده است. در این جا لازم است ابوالخطاب و جریان غلو ایجاد شده به دست او را به صورت اجمال بیان کنیم. محمد بن ابی زینب اجدع اسدی معروف به ابوالخطاب، بنیان‌گذار یکی از فرقه‌های مهم و بزرگ غالی به نام خطابیه بود. جریان غلو ایجاد شده به دست وی تا سال‌ها پس از او، با نام خطابیه و یا در قالب فرق دیگر به حیات خود ادامه داد.^۹ پیروان و طرفداران او در زمان امامان پس از امام صادق 7 تا امام دوازدهم 7 وجود داشتند و همواره از سوی ائمه معصوم: لعن می‌شدند.^{۱۰}

ابوالخطاب در ابتدا از اصحاب و یاران امام صادق 7 بود.^{۱۱} او پرسش‌های اصحاب امام صادق 7 را بر آن حضرت 7 عرضه می‌کرد و پاسخ ایشان را برای اصحاب می‌فرستاد.^{۱۲} او پس از مدتی، عقاید غالیانه‌ای مطرح کرد و به شدت از سوی امام صادق 7 طرد و لعن شد. امام 7، او را کافر، فاسق و مشرک خواند.^{۱۳}

ابتدا ابوالخطاب ادعا می‌کرد امام صادق 7 او را وصی خود قرار داده و به او، اسم اعظم آموخته است پس از مدتی، ادعای نبوت و رسالت کرد و سپس مدعی شد از ملائکه است و برای هدایت مردم فرستاده شده است.^{۱۴} او قبل از این ادعاها گفته بود که همان امام صادق 7 است و می‌تواند به هر صورت و شکلی در آید.^{۱۵}

یکی از عقاید خطابیه این بود که آنان، امام جعفر صادق 7 را خدایی می‌دانستند که ابوالخطاب را به عنوان پیامبر مرسل فرستاده و مردم را به اطاعت از وی دستور داده است.

در پی این اعتقاد، آنها محرّمات دین را حلال شمردند و از انجام واجبات و فرایض دین سرباز زدند و می‌گفتند که خداوند به وسیله ابوالخطاب، گناهانشان را سبک کرده و به خاطر او، قیدها و زنجیرهای نماز، زکات، حج، روزه و همه اعمال و واجبات را از گردن آنها برداشته است. آنان گفتار خود را از راه تأویل، مستند به آیه‌های قرآن می‌کردند و اعمال خود را توجیه می‌نمودند.^{۱۶}

درباره پایان کار ابوالخطاب گفته می‌شود هنگامی که وی با هفتاد نفر از یارانش در مسجد کوفه گرد آمده بود و مردم را به عقیده و مذهب خود دعوت می‌کرد، خبر به عیسی بن موسی، فرماندار عباسی رسید. او، گروهی از افرادش را برای دست‌گیری آنان به مسجد کوفه فرستاد اما آنان مقاومت کردند. در نتیجه نبردی که بین آنان و مأموران حکومتی رخ داد، به جز یک نفر از آنان که جان سالم به در برد، بقیه کشته شدند.^{۱۷}

۲. محمد بن فرات: این فرد، غالی خطرناک و برجسته‌ای بود که گفته می‌شود مانند یونس بن ظبیان، اهل کوفه بوده است.^{۱۸} برخی، او را از اهالی بغداد می‌دانند.^{۱۹} نسبت شرب خمر به وی داده شده است. همچنین نقل می‌شود که ادعای نبوت و بابیت می‌کرد و به ائمه: دروغ می‌بست.^{۲۰}

امام رضا^۷، او را لعن و نفرین کرد. آن حضرت^۷، او را بدتر از ابوالخطاب دانست و درباره او فرمود:

هیچ خطابی مانند محمد بن فرات، بر ما دروغ نیست.^{۲۱}

درباره عاقبت محمد بن فرات گفته می‌شود که به دست ابراهیم بن مهدی به قتل رسید.^{۲۲}

۳. محمد بن بشیر: او اهل کوفه بود^{۲۳} و از غالیان و اصحاب امام موسی کاظم^۷ به شمار می‌رفت.^{۲۴} او پس از شهادت آن حضرت^۷ نیز به گفتار و عقاید غالیانه‌اش ادامه داد.^{۲۵} محمد بن بشیر که بنیان‌گذار فرقه بشیریه از غلات بود^{۲۶} در زمان حیات امام موسی بن جعفر^۷ به سبب افکار و گفتار غالیانه و منحرفش، بارها از سوی امام^۷ لعن گردید.

امام 7، او را نفرین کرد، از او بیزارى جست و حتّى او را مهدورالدم خواند.^{۳۷} دعاهاى امام کاظم 7 در قالب عبارت‌هایی نظیر «... اللهم إني أسألك أن تخلصني من هذا الرجس النجس محمد بن بشير...»^{۳۸} نشان دهنده اوج خشم و نفرت امام 7 از وی است. هم‌چنین نشان‌گر شدت و عمق پلیدی افکار ابن بشیر است.

۴. محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی ابو جعفر القرشی: او ملقب به ابوسمینه بود و از او در شمار یاران امام رضا 7 یاد می‌شود. او یکی دیگر از غالیانی است که درباره او تعبیر «ضعیف جدا، فاسد الاعتقاد، لا يعتمد فی شیء»^{۳۹} به کار رفته است. گفته می‌شود وی در کوفه به دروغ‌گویی مشهور شده بود و هنگامی که به قم وارد شد، پس از مدتی به دست احمد بن محمد بن عیسی از قم اخراج گردید.^{۴۰}

به نظر می‌رسد این فرد و سایر غالیان بیان شده، تنها دارای غلو رجالی بودند، نه غلو کفری که در ملل و نحل آمده است. غلو رجالی، غلوی است که به سبب روایت‌ها به آن توجه می‌شود.^{۳۱} و غلو در فضایل و بعضی صفات است.

۵. عمر بن فرات: او غالی دیگری است که از او به عنوان یکی از اصحاب امام رضا 7 و دربان آن حضرت 7 نام برده شده است.^{۳۲}

۶. محمد بن فضیل ازدی صیرفی: او از اصحاب امام صادق 7، امام کاظم 7 و امام رضا 7 شمرده شده و اهل کوفه بوده است.^{۳۳}

۷. خیبری بن علی طحان: گفته می‌شود او هم‌نشین یونس بن ظبیان بوده است و روایت‌های زیادی از او نقل کرده است.^{۳۴}

۸. طاهر بن حاتم،^{۳۵} محمد بن اسلم،^{۳۶} محمد بن جمهور،^{۳۷} محمد بن سلیمان دیلمی،^{۳۸} محمد بن صدقه^{۳۹} از غالیانی هستند که از آنها به عنوان اصحاب امام رضا 7 یاد می‌شود.

۹. داود بن کثیر رقی: او یکی از متهمان به غلو است که گفته می‌شود وی از امام کاظم 7 و امام رضا 7 نقل روایت می‌کرده است.^{۴۰}

در پایان، تذکر این نکته را لازم می‌دانیم که اتهام غلو به معنای اثبات آن نیست و در

بسیاری از موارد، افراد پاک و والایی متهم به غلو می‌شدند که، دلایل مختلفی داشته است. به عنوان نمونه در برخی موارد، این اتهام از سوی قمی‌ها و ابن غضائری مطرح شده است که اعتقادات خاصی درباره کرامات و صفات ائمه: داشتند.^{۴۱}

عقاید و آموزه‌های تبلیغی غلات

پس از معرفی رهبران غلات و برخی غالیان زمان امام رضا 7، در این قسمت مهم‌ترین عقاید و آموزه‌های تبلیغی و ترویجی غالیان دوران امام رضا 7 را بررسی می‌کنیم و به توضیح آنها می‌پردازیم.

۱. عقیده به الوهیت پیامبر اکرم 6 و ائمه معصوم:

پس از شهادت امام کاظم 7، محمد بن بشیر، ایشان را خدا خواند و گفت که او همان خداست که چندی میان مردم ظاهر شد و برای اهل نور به صورت نور و برای اهل ظلمت به صورت ظلمت پدیدار می‌گردید ولی پس از مدتی همه مردم از ادراک او در حجاب مانده و در حالی که او همچنان در میان مردم است، آنها او را نمی‌بینند و از درک او ناتوانند.^{۴۲}

هم‌چنین پیروان محمد بن بشیر به خدایی و الوهیت پیامبر اکرم 6 اعتقاد داشتند.^{۴۳} از روایت‌ها و احادیث نقل شده از امام رضا 7 می‌توان دریافت که عده‌ای اعتقاد به خدایی و الوهیت امیرالمؤمنین حضرت علی 7 داشتند. و آن حضرت 7 را خدا می‌پنداشتند.^{۴۴} تفصیل این روایت‌ها را در بحث مواضع امام 7 خواهیم آورد.

۲. عقیده به نبوت ائمه: یا افراد دیگر

بیزاری امام رضا 7 از کسانی که خدایی یا نبوت امامان معصوم 7 را ادعا می‌کردند،^{۴۵} می‌تواند شاهدی باشد بر این که عده‌ای در این عصر، درباره ائمه: ادعای نبوت می‌کردند. از غالیانی که در زمان امامت امام رضا 7 ادعای پیامبری می‌کردند، محمد بن بشیر^{۴۶} و

محمد بن فرات^{۴۷} بودند. گویا یونس بن ظبیان، ابوالخطاب را پیامبر می دانسته است.^{۴۸}

۳. عقیده به حلول

این عقیده که به عنوان یکی از اصول مشترک میان همه غلات بیان شده است،^{۴۹} در لغت به معنای اختصاص چیزی به چیز دیگر است. به نحوی که اشاره به یکی، عین اشاره به دیگری باشد که از این دو چیز، یکی را حال و دیگری را محل گویند.^{۵۰} در این جا مراد از حلول، آن است که روح خداوند یا اجزایی از آن، در یک شخص مانند نبی، امام یا هر شخص یا جسم دیگری حلول کند. به طوری که با او متحد شود و سرانجام حلول و اتحاد هر دو مصداق پیدا کند.^{۵۱}

گزارش شده است که پیروان محمد بن بشیر، معتقد به حلول بودند و می گفتند:

همه کسانی که به حضرت محمد 6 انتساب دارند، خانه‌ها و ظروفی هستند

که حضرت محمد 6 که پروردگار است در همه آنها حلول کرده است. او (پیامبر

اکرم 6) زاده نشده است و فرزندی ندارد و او در این حجاب‌ها پنهان شده

است.^{۵۲}

هم چنین نقل می شود که یونس بن عبدالرحمن در نامه‌ای از امام رضا 7 پرسید:

آیا در حضرت آدم 7 چیزی از جوهریت پروردگار بود؟

امام 7 در پاسخ نوشت:

صاحب این اعتقاد چیزی از سنت پیامبر اکرم 6 ندارد و زندق است.^{۵۳}

۴. عقیده به تناسخ

این عقیده که به گفته شهرستانی، یکی از عقاید مشترک میان همه فرقه‌های غالی بوده است^{۵۴} به معنای انتقال روح از بدنی به بدن دیگر است.^{۵۵} چنان که پیروان محمد بن بشیر که به تناسخ اعتقاد داشتند می گفتند که روح امامان فقط یکی بوده که از بدنی به

بدن دیگر منتقل می‌شده است.^{۵۶}

۵. عقیده به جبر و تشبیه

طبق فرمایش امام رضا^۷، جبر به این معنا است که انسان گمان کند خداوند کارهای او را انجام می‌دهد و سپس به خاطر آنها، او را عذاب می‌کند.^{۵۷} تشبیه در لغت به معنای همانند کردن چیزی به چیز دیگر است و در اصطلاح علم کلام، همانند کردن خدا به موجودات محسوس است. قائلان به تشبیه (مشبّهه)، خدا را به انسان تشبیه کرده و برای او مکان و اعضا تصور می‌کنند. به قائلان به تشبیه، «مجسمه»؛ یعنی قائلان به جسمیت داشتن خداوند، نیز گفته می‌شود.^{۵۸} از روایت‌های گزارش شده از امام رضا^۷ در ردّ جبر و تشبیه غلات به دست می‌آید که یکی از آموزه‌های ترویجی غلات، جبر و تشبیه بوده است.^{۵۹}

۶. عقیده به تفویض

تفویض در لغت به معنای واگذار کردن کاری به دیگری و حاکم کردن او در آن کار است.^{۶۰} تفویض در احادیث شیعه به معانی مختلفی آمده است که معصومان^۷، بعضی را رد و بعضی را اثبات کرده‌اند.^{۶۱} در این جا برای رعایت اختصار و به تناسب بحث با استفاده از حدیثی از امام رضا^۷ به شرح موارد مرتبط با بحث می‌پردازیم. در گزارشی از یاسر خادم آمده است که وی از امام رضا^۷ معنای تفویض را پرسید و امام رضا^۷ در پاسخ او فرموده:

خدای تبارک و تعالی، امر دین را به پیامبر^۶ واگذار کرد.

هم‌چنین فرمود:

آن چه را پیامبر برای شما آورده (و به آن امر کرده) اخذ کنید و آن چه از آن

نهی کرده، از آن بپرهیزید.^{۶۲}

ولی خلقت و رزق و روزی را به او واگذار نکرده است. و سپس آن حضرت 7 در ادامه فرمود:

همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: «خدا خالق و آفریننده هر چیز است»^{۶۳} و خدا می‌فرماید: «خدایی که شما را خلق کرد، سپس به شما روزی داد، سپس شما را می‌میراند، سپس زنده می‌کند. آیا آنان که شریک خدا قرار داده‌اید، چنین کارهایی را انجام می‌دهند؟ پاک و منزّه است خداوند و برتر است از آن چه برای او شریک قائل می‌شوند»^{۶۴}.^{۶۵}

امام 7 در این حدیث، با استدلال به آیه‌های قرآن مجید، دو معنا از تفویض را بیان می‌کند که یکی مورد قبول ائمه: بوده^{۶۶} و دیگری از جانب آنان رد شده است. در واقع، تفویض ترویجی و تبلیغی غلات که از جانب ائمه: به شدت رد و انکار شده بود، همان معنای دوم است؛ یعنی قائل شدن به این که خداوند، پیامبر اکرم 6 و ائمه اطهار: را آفریده و سپس خلقت و رزق و روزی رساندن به مردم را به آنان واگذار کرده است. در این معنا از تفویض، برای خداوند یگانه، شریک قرار داده می‌شود و قائلان به این نظر (مفوضه)، مشرک خوانده می‌شوند. چنان که امام رضا 7 در ضمن حدیثی دیگر، به طور آشکار و واضح، مفوضه را مشرک می‌خواند.^{۶۷}

در تکمیل بحث مفوضه، لازم است این نکته را بیفزاییم که در دهه‌های سوم و چهارم قرن دوم هجری، در دوره زندگی و امامت امام صادق 7، گروه جدیدی از غلات (مفوضه) در جامعه شیعه پدیدار شدند که پیامبر 6 و ائمه: را خدا نمی‌خواندند. بلکه معتقد بودند که خداوند، کار جهان از خلق، رزق و اختیار تشریح احکام را به آنان تفویض فرموده است. در نتیجه، پیامبر 6 و ائمه: تمام کارهایی را که خداوند باید انجام دهد، انجام می‌دهند. با این تفاوت که قدرت خداوند، اصلی است و قدرت آنها، تبعی و فرعی است. پس فرق اصلی میان آنها و غلات ملحد آن بود که غلات ملحد، ائمه: را در عرض خدا و در درجه او

می‌دانستند ولی اینان، ائمه: را در طول خدا می‌دانستند.^{۶۸}

۷. اباحی‌گری

یکی از آموزه‌های ترویجی غلات، اباحی‌گری، بی‌قید و بندی و آزادی از همه یا بسیاری از احکام و قوانین دینی بود. چنان که بشیریه فقط اقامه نمازهای پنج‌گانه و گرفتن روزه ماه رمضان را واجب می‌دانستند، ولی زکات، حج و دیگر واجبات را انکار می‌کردند. همه محرمات را بر خود حلال می‌شمردند و برای توجیه عقاید خود به آیه‌های قرآن استناد می‌کردند.^{۶۹}

اقدامات و فعالیت‌های غالیان

غالیان زمان امام رضا 7 برای ترویج عقاید، اندیشه‌ها و آموزه‌های خود، اقداماتی انجام می‌دادند که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:

۱. جعل حدیث

یکی از خطرناک‌ترین اقدامات و فعالیت‌های غالیان، حدیث‌سازی و جعل حدیث بوده است. در این زمینه، از یونس بن عبدالرحمن روایت شده که وی کتاب‌ها و حدیث‌هایی را بر امام رضا 7 عرضه کرد ولی امام 7 بسیاری از آن حدیث‌ها را رد نمود و آنها را ساخته و پرداخته ابوالخطاب و یارانش دانست.^{۷۰}

روایت‌های فراوان نقل شده از امام رضا 7 درباره دروغ بستن افراد غالی بر ائمه: که در قسمت مواضع امام خواهد آمد، شاهد دیگری بر جعل حدیث به دست غالیان است.^{۷۱}

۲. شعبده بازی

رهبران غلات برای اثبات عقاید و گفته‌های خود و جذب طرف‌داران و پیروان بیشتر، اقدام به اموری چون شعبده بازی می‌کردند. آنها انجام این گونه، کارها را دلیلی بر پیامبری خود می‌دانستند و از این راه توانستند افراد بسیاری را گمراه نمایند.^{۷۲}

۳. اباحی‌گری

غالیان از راه ترویج اباحی‌گری توانستند بسیاری از مردم کم ظرفیت و بی‌بند و بار را اطراف خود جمع کنند و از آنها برای پیش‌برد اهداف و مقاصد خود استفاده کنند.^{۷۳}

اهداف رهبران غلات

برخی از اهداف مهم و انگیزه‌های سران غلات در این دوران عبارت بودند از:

۱. دست یافتن به جاه و مقام؛

۲. دستیابی به پول و ثروت؛

۳. اباحی‌گری و رهایی از قیود دینی.

هر سه این موارد در فرقه بشیریه مشاهده می‌شود؛ چرا که آنان پس از شهادت امام موسی کاظم 7 مدعی شدند امام 7 همان مهدی موعود است که در هنگام غیبتش، محمد بن بشیر را جانشین خود قرار داده و محمد بن بشیر پس از او امام است.^{۷۴}

به نظر می‌رسد این عده از غالیان، از فضای وقف به وجود آمده بر امام هفتم 7^{۷۵} به نفع خود استفاده کرده و با ادعای مهدویت برای امام موسی کاظم 7 و طرح مسئله غیبت برای آن حضرت 7 درصدد اثبات جانشینی محمد بن بشیر بوده‌اند.

هم‌چنین رؤسای غلات، برای این که بتوانند خود را پیامبر معرفی نمایند، از جایگاه والای ائمه: در نزد مردم استفاده می‌کردند و آنان را خدا می‌خواندند تا بتوانند خود را پیامبر این خدا معرفی کنند. محمد بن بشیر، یکی از کسانی است که این ادعا را درباره امام کاظم 7 مطرح کرد و او را خدا خواند و با استفاده از شعبده‌بازی و فریب مردم، خود را پیامبر معرفی کرد. او دلیل خود را کارهای خارق‌العاده و شعبده‌بازی‌هایش بیان می‌کرد.^{۷۶} وقتی واجب‌الاطاعة بودن سران غلات، در نتیجه نبوت و امامت آنها اثبات می‌شد،

نوبت به سرازیر شدن پول و ثروت به سمت آنها می‌رسید. چنان که پیروان محمد بن بشیر موظف بودند پس از مرگ او، حقوقی که از اموال خود به او می‌دادند، جهت تقرب به خداوند به جانشینان او پرداخت کنند.^{۷۷} بشیریه می‌گفتند که هر کس در راه خدا، چیزی وصیت کند و اموالی را به ارث بگذارد، متعلق به سمیع بن محمد، پسر محمد بن بشیر است.^{۷۸}

اباحی‌گری و رهایی از قیود دینی و مذهبی که پیش از این به مناسبت‌های مختلف بیان شد از دیگر مواردی بود که رهبران غلات را به سمت این عقاید باطل می‌کشاند. آنان بدین گونه و با این عقاید می‌توانستند بسیاری از فرایض و گاهی همه آنها را نادیده بگیرند و با حلال شمردن محرمات، به خواسته‌های نفسانی خود برسند. هم‌چنین از این

طریق می‌توانستند افراد فاسد و جاهل را به دور خود جمع کرده و بر پیروانشان بیفزایند. غالیان برای رسیدن به خواسته‌های خود، گفتار ناشایستی را در حق امام رضا 7 روا داشتند^{۷۹} و گفته می‌شود پیروان محمد بن بشیر بر ضد امام رضا 7 و همه افراد آل محمد 6 اقدام کردند.^{۸۰}

مواضع امام رضا 7 در برابر غلات

با توجه به خطراتی که از ناحیه غالیان، متوجه اصل و کیان شیعه و تشیع بود و از همه مهم‌تر این که افکار مخرب و منحرفی به وسیله آنان درباره توحید رواج می‌یافت. امامان شیعه شدیدترین برخورد را در مبارزه با آنان در پیش گرفتند. در این راستا، امام رضا 7 مانند پدران بزرگوارش با جریان غلو و غالی‌گری به شدت برخورد کردند. ایشان برای حذف کامل آن عقاید از اذهان و تاریخ تلاش می‌کردند و در این راه، سختی‌های زیادی متحمل شدند.

آن حضرت 7، نه تنها وقتی در مدینه به سر می‌برد به پاسخ‌گویی و مبارزه با غالیان و افکار غلو آمیز پرداخت. بلکه زمانی هم که در مرو بود، به این امر خطیر توجه داشت و در آن جا به پاسخ‌گویی و رد عقاید غالیان می‌پرداخت. گفت‌وگوی مأمون با امام 7 درباره عده‌ای که درباره ایشان غلو کرده بودند^{۸۱} و گزارش شخصی به نام یزید بن عمیر بن معاویه که به نزد آن حضرت 7 در مرو رفت و معنای حدیث «لا جبر و لا تفویض، بل أمر بین الأمرین» را از آن حضرت پرسید^{۸۲} از این مسئله حکایت می‌کند.

در این قسمت سعی می‌کنیم از میان حدیث‌ها و روایت‌ها، گوشه‌ای از تلاش امام رضا 7 را در برخورد با این فرقه منحرف و منتسب به شیعه به تصویر بکشیم. در این راه، برای تفهیم بهتر و بیشتر، برخوردها و سخنان آن حضرت 7 را به مراحل مختلف تقسیم‌بندی می‌کنیم.

این مراحل، بدین قرار است:

۱. بیان ضرورت و اهمیت پرداختن به مسئله غالیان؛
۲. معرفی ماهیت غالیان و بیان عقاید آنها؛
۳. ردّ عقاید غالیان و بیان عقاید صحیح؛
۴. بیان علل غلو و عاقبت غالی؛
۵. ردّ برخی از احادیث و بیان چگونگی تشخیص احادیث صحیح از سقیم؛
۶. اظهار تنفر و بیزاری از غلات و لعن آنها؛
۷. فرمان قطع رابطه همه جانبه با غلات.

۱. بیان ضرورت و اهمیت پرداختن به مسئله غالیان

امام رضا⁷ در سخنان ارزشمند خود به ضرورت پرداختن به غالیان توجه نموده و آن را بیان فرموده است. در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱. امام رضا⁷، در قسمتی از حدیثی که در آن، قائلان به تشبیه و جبر را کافر و مشرک می‌دانند، می‌فرماید:

غالیان کسانی هستند که بزرگی خدای متعال را کوچک شمردند.^{۸۳}

شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین انگیزه برای مطرح کردن عقیده تشبیه یا مانند کردن خداوند به موجودات محسوس هم چون انسان، کوچک نشان دادن عظمت خالق و خداوند در میان مردمان باشد تا آنها بتوانند به راحتی خدایی را به رهبران خود نسبت دهند.^{۸۴} از طرف دیگر با توجه به این که اصل و هدف تمام ادیان الهی، مسئله توحید بوده است، پس مهم‌ترین علت پرداختن به مسئله غالیان، این است که آنها عظمت خدای متعال را به دلایل مختلف و با رواج افکار خود، کوچک می‌کنند و در واقع اصلی‌ترین و اساسی‌ترین پایه دین را که توحید است با افکار پوچ و واهی، هدف قرار می‌دهند.

۲. جلوگیری از گمراه شدن و انحراف شیعیان و به خصوص جوانان، یکی دیگر از دلایل اهمیت پرداختن به مسئله غالیان است. از آن جا که جوانان آمادگی بیشتری برای پذیرفتن هر مطلبی را دارند و قلب و روحشان، زود تحت تأثیر افکار و افعال مثبت و منفی

قرار می‌گیرد، خطر غالیان برای گمراه کردن این قشر، بیشتر است. با توجه به این که جوان، سرمایه هر ملت و مملکت و سازنده فردای آن است، باید توجه ویژه‌ای به جوانان می‌ذول داشت تا در دام شیاطین گرفتار نشوند و با این کار، آینده ملت و مملکت و دین و مذهب را بیمه کرد. از این رو امام صادق 7 می‌فرماید:

از غلات، نسبت به جوانان خود بر حذر باشید که مبادا آنان را فاسد

سازند.^{۸۵}

از امام رضا 7 نیز، روایت‌های متعددی درباره منع معاشرت با غلات نقل می‌شود. به عنوان نمونه ایشان با بیان سرانجام و عاقبت محمد بن فرات و کسانی که بر ائمه: دروغ می‌بستند، علت بیان این سخنان را فقط دوری و زنهار دادن اصحابش از محمد بن فرات و امر آنها به لعن و بیزاری جستن از او می‌دانند. آن حضرت 7 می‌فرماید:

ای یونس! این سخن را فقط از آن جهت به تو گفتم که اصحابم را از او

(محمد بن فرات) زنهار دهی و آنها را به لعن او امر کنی و به بیزاری از او

و اداری؛ چرا که خداوند از او بیزار است.^{۸۶}

۳. دیگر دلیل اهمیت پرداختن به مسئله غالیان، جلوگیری از بدنامی و تکفیر شیعیان نزد مردم است. غالیان با ادعای شیعه بودن و بیان عقاید بی‌پایه و اساس و غیر منطقی خود در نزد سایر مردم و به خصوص مخالفان و دشمنان شیعه، سبب می‌شوند که مردم نسبت به شیعیان بدبین شوند و آنها را تکفیر و کنند از خود برانند. این مسئله موجب سوء استفاده مخالفان و معاندان شیعه و دیگر گروه‌های سودجو می‌شود. امام رضا 7 در این باره می‌فرماید:

مخالفان و دشمنان ما سه دسته اخبار و روایت در فضایل ما جعل کرده‌اند: ۱.

غلو (درباره ما)، ۲. تقصیر و کوتاهی در امر ما و ۳. بدگویی آشکار از دشمنان

ما. پس هرگاه مردم، غلو را درباره ما بشنوند، شیعیان ما را تکفیر کرده، آنان را

معتقد به ربوبیت ما خواهند خواند.^{۸۷}

۲. معرفی ماهیت غالیان و بیان عقاید آنها

پس از این که ضرورت پرداختن به مسئله غالیان روشن شد، باید چهره غالی را شناخت و از عقاید وی آگاه شد تا بهتر بتوان با وی مبارزه کرد. ضمن این که شناخت چهره غالی سبب می شود که شیعیان از غالیان بازشناخته شوند و مردم و مخالفان منصف، بین این دو تمایز قائل شوند و غالیان را از شیعه و فرق شیعی ندانند.

امام رضا^۷ ضمن معرفی مشخصات و عقاید غالی، در مواردی رهبران اصلی جریان غلو در زمان خویش و دوره های قبل را با اسم مشخص می کند. این معرفی واضح و آشکار، کمک زیادی به شیعیان آن زمان و زمان های بعد، برای شناخت غالیان و گرفتار نشدن در دام های شیاطین می کند. هم چنین باعث مشخص شدن شیعه از غیر شیعه (شیعه نمایان) می شود. در ادامه به بیان چند روایت از امام رضا^۷ در این خصوص می پردازیم.

۱. کسی که به تشبیه و جبر معتقد باشد، کافر و مشرک است و ما در دنیا و

آخرت از او بیزاریم. ای پسر خالد! اخبار جبر و تشبیه را غلات که عظمت خدا

را کوچک دانسته اند، از قول ما جعل کرده اند.^{۸۸}

۲. هر کس قاتل به تناسخ شود، کافر است. خدا غلات را لعنت کند. بدانید

که آنها یهودی بودند. مجوس بودند. ۸۹ نصاری بودند. قدریه بودند. مرجئه

بودند. حروریه بودند.^{۹۰}

۳. غلات، کافرند و مفوضه مشرکند.^{۹۱}

۴. محمد بن فرات، مرا آزار داد. خداوند او را آزار دهد و داغی آهن را به

او بچشاند. خداوند، او را لعنت کند. مرا طوری اذیت کرد که مانند آن،

ابوالخطاب، جعفر بن محمد 6 را آزار نداده بود. هیچ خطابی مانند محمد بن فرات بر ما دروغ نیست.^{۹۲}

۵. شهادت می‌دهم شیطان به او [یونس بن ظبیان] ندا داد.^{۹۳}

۶. بنان بر علی بن الحسین 7 دروغ می‌بست، پس خدا داغی آهن را به او چشانید. مغیره بن سعید بر ابی جعفر 7 [امام محمد باقر 7] دروغ می‌بست، پس خدا داغی آهن را به او چشانید و محمد بن بشیر بر ابی الحسن موسی 7 [امام کاظم 7] دروغ می‌بست، پس خدا داغی آهن را به او چشانید و ابوالخطاب بر ابی عبدالله 7 [امام جعفر صادق 7] دروغ می‌بست، پس خدا داغی آهن را به او چشانید و کسی که بر من دروغ می‌بندد، محمد بن فرات است.^{۹۴}

۷. هر کس امیرالمؤمنین 7 را از حد عبودیت تجاوز دهد، از جمله مورد خشم و غضب قرار گرفتگان و گمراهان خواهد بود.^{۹۵}

۸. امام رضا 7 وقتی شنید، عده‌ای از افراد، اوصاف خداوند متعال را به امام علی 7 نسبت می‌دهند و او را خدا می‌دانند، بدنش لرزید و عرق از سر و رویش جریان پیدا کرد و فرمود:

پاک و منزّه است خدا از آن چه ظالمان و کافران درباره‌اش قائلند، برتری بزرگ.^{۹۶}

۹. در قسمتی از دعای منسوب به امام رضا 7 آمده است:

پروردگارا! کسی که گمان دارد ما اربابیم، ما از او بیزاریم و هر کس گمان دارد که آفرینش و روزی به ما واگذار شده است، پس ما از او به سوی تو، چنان تیرا می‌جوییم که عیسی 7 از نصارا تیرا می‌جست. بار خدایا! ما آنها را دعوت نکردیم که اعتقادی چنین داشته باشند، پس ما را به آن چه می‌گویند مؤاخذه مفرما و بیامرز برای ما آن چه را ادعا می‌کنند.^{۹۷}

چنان که ملاحظه می‌شود در سخنان مطرح شده از سوی امام رضا⁷، پاره‌ای از عقاید غلات مانند عقیده به جبر، تشبیه، تفویض، ادعای الوهیت و ربوبیت ائمه:، و تناسخ بیان شده است. غلات افرادی دروغ‌گو، جعل کننده حدیث، کافر، ظالم، گمراه، مورد خشم و غضب خدا قرار گرفته، بدتر از مجوس، یهود، نصاری، قدریه، مرجئه و حروریه معرفی می‌شوند و مفوضه، مشرک خوانده می‌شوند.

در واقع، امام⁷ نه تنها ماهیت غلات و رهبران اصلی آنها را معرفی می‌کند، بلکه پاره‌ای از عقاید آنها را مطرح کرده و سپس با بیزاری جستن شدید از این عقاید، عقاید صحیح و مقابل آنها را بیان می‌نماید. آن حضرت⁷ در پاره‌ای از موارد، هشدار می‌دهد که حاضران غایبان را مطلع سازند.

۳. ردّ عقاید غالیان و بیان عقاید صحیح

امام رضا⁷، پس از این که مردم را با عقاید غالیان آشنا می‌نماید، آن عقاید را با دلایل محکم رد کرده و عقاید صحیح را بیان و اثبات می‌کند؛ مواردی در این خصوص بدین شرح است:

۱. امام رضا⁷ در پاسخ کسانی که امیرالمؤمنین حضرت علی⁷ را خدا می‌دانستند و صفات خداوند متعال را به او نسبت می‌دادند، فرمود:

پاک و منزّه است خدا از آن چه ظالمان و کافران در باره‌اش قائلند، برتری بزرگ. آیا علی⁷ خورنده‌ای در میان خورندگان، نوشنده‌ای در میان نوشندگان، ازدواج کننده‌ای در میان ازدواج کنندگان و ... نبود؟ و با تمام این اوصاف، خاضعانه نماز می‌گزارد و در برابر خداوند خوار و ذلیل بود و دائماً به سوی پروردگارش بازگشت و انابه داشت. آیا دارنده چنین صفاتی معبود است؟ اگر این گونه باشد، پس هر کدام از شما یک خداست؛ زیرا در تمام این صفات که دلالت بر حدوث دارد با او [امام علی⁷] مشارکت دارد.^{۹۸}

امام 7 در گفت‌وگوی مفصلی که با مردی پرسش کننده داشت. با کمال حوصله و صبر، پاسخ‌هایی با دلایل محکم و قانع کننده ارائه کرد. خداوند را به یکتایی و منزّه از هرگونه تشبیه و قیاس معرفی نمود. امیرالمؤمنین حضرت علی 7 و معجزات آن حضرت 7 و رابطه او با خداوند یگانه را به طور کامل و با ارائه مثال جالب و قاطعی^{۹۹} معرفی کرد و سرانجام تکذیب و لجاجت بی‌خردان و جاهلانی را بیان فرمود که عقاید منحرفی داشتند و به گوشزد و هشدار آن نماینده محترم مورد انعام (منظور امام علی 7) و اتباع او و پیروانش توجه نکردند.^{۱۰۰}

۲. از یکی از یاران امام رضا 7 به نام هروی نقل شده است که به امام رضا 7 گفت:

مردم درباره شما می‌گویند که ادعا می‌کنید مردم، بندگان شما هستند.

پس آن حضرت 7 فرمود:

خدایا! ای خالق آسمان‌ها و زمین و دانای نهان و آشکار! تو شاهدی که من هرگز، آن را نگفته‌ام و از هیچ یک از پدرانم نیز چنین نشنیده‌ام. تو آگاهی که این امت چه ستم‌هایی بر ما روا داشت و این نیز یکی از ظلم‌های آنها بر ماست.

سپس رو به هروی کرد و فرمود:

اگر همه مردم بندگان ما باشند، پس آنها را به چه کسی بفروشیم؟

و پس از تصدیق هروی، امام 7 دوباره فرمود:

آیا تو منکر ولایت هستی که خدا برای ما واجب کرده است؟

و هروی در پاسخ، پس از پناه بردن به خدا از انکار ولایت، خود را مقرر به ولایت

می‌داند.^{۱۰۱}

هم چنین در حدیث دیگری، امام 7 می‌فرماید:

نه، قسم به خویشاوندی من با رسول خدا 6، من هرگز آن را نگفته‌ام و از

هیچ یک از پدرانم نیز آن را نشنیده‌ام و از هیچ یک از آنان به من چنین مطلبی

نرسیده است. لکن ما می‌گوییم که مردم در اطاعت، بندگانه ما و در دین موالی و

ولایت پذیران ما هستند. پس شاهد به غایب خبر دهد.^{۱۰۲}

چنان که ملاحظه می‌شود امام رضا^۷، بنده بودن مردم را به معنای مخلوق و آفریده ائمه: رد می‌کند. بلکه آنان را ملزم به اطاعت از ائمه: می‌داند که در واقع، اطاعت از آنان، همان اطاعت از خداوند متعال است؛ یعنی از یک طرف، عقیده غالیان را رد می‌کند و از طرف دیگر عقیده صحیح و لزوم اطاعت از ائمه را بیان می‌نماید.

۳. وقتی از آن حضرت^۷ درباره تفویض پرسیده شد، آن حضرت^۷ فرمود که خدای تبارک و تعالی امر دین را به پیامبر^۶ واگذار کرد اما خلقت و رزق و روزی به پیامبر^۶ واگذار نشده است و فرمود:

هر آن چه را پیامبر برای شما آورده (و به آن امر کرده) اخذ کنید و آن چه

از آن نهی کرده، از آن بپرهیزید.^{۱۰۳}

امام^۷ در ادامه به توضیح این مطلب و تنزیه خداوند متعال از شرک می‌پردازد.^{۱۰۴} به طوری که مشاهده می‌شود در این جا امام^۷ به تبیین مسئله تفویض و معنای صحیح آن پرداخته است.

۴. امام رضا^۷ حتی در دعایی که می‌خواند به رد عقاید غالیان، انزجار و بیزارگی از آن عقاید و بیان عقاید صحیح می‌پردازد. ایشان در دعای خود با کمال تواضع و خشوع در مقابل خداوند، ابراز بندگی می‌کند. خود و پدران را مخلوق پروردگار یکتا می‌داند. طرح هرگونه الوهیت و ربوبیت برای غیر خدا را به شدت رد می‌کند و امر آفرینش و رزق و روزی و هرگونه قدرتی را فقط مخصوص خداوند متعال بیان می‌کند.

قسمتی از دعای مذکور چنین است:

پروردگارا! همانا من از حول و قوه و قدرت (که تنها مخصوص توست)،

بیرون هستم و حول و قوه و قدرتی جز به وسیله تو نیست. بارخدا یا! همانا من به

تو پناه می‌برم از کسانی که برای ما ادعایی می‌کنند که حق ما نیست. خداوند! همانا بی‌زاری می‌جویم از کسانی که درباره ما به چیزهایی قائلند که ما خود قائل نیستیم. خداوند! آفرینش و رزق و روزی از جانب توست و تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم. خدایا! تو خالق ما و خالق پدران ما از اولین تا آخرین آنها هستی. بار خدایا! تنها تو شایسته ربوبیت و الوهیت (خدایی) هستی. پروردگارا! همانا ما بندگان تو و فرزندان بندگان تو هستیم و مالک سود و زیان و موت و حیات و نشور خود نیستیم.^{۱۰۵}

۵. شخصی از امام رضا 7 درباره معنای حدیث منقول از امام صادق 7 که فرموده بود: «نه جبر است و نه تفویض، بلکه چیزی است بین دو امر» پرسش کرد و حضرت 7 در جواب او فرمود:

هر کس پندارد که خداوند کارهای ما را انجام می‌دهد و سپس به خاطر آنها ما را عذاب می‌کند، قائل به جبر شده و کسی که پندارد خداوند مسئله خلق و رزق و روزی دادن به مخلوقات را به امامان واگذار نموده است، قائل به تفویض شده و قائل به جبر کافر و قائل به تفویض، مشرک است.^{۱۰۶}

سپس آن شخص، درباره معنای «امر بین الامرین»؛ چیزی میان دو امر پرسید و آن حضرت 7 فرمود:

یعنی راه باز است که آن چه را خدا دستور داده انجام دهند و آن چه را نهی فرموده، ترک کنند.

در ادامه آن فرد درباره مشیت و اراده خداوند و قضا می‌پرسد و آن حضرت 7 با حوصله پاسخ می‌دهد^{۱۰۷} و بدین ترتیب عقاید صحیح را جای‌گزین افکار غلط می‌کند. امام 7 با بیان عقاید باطل، پوچ و انحرافی غلات و رد آنها در واقع پایه‌ها و اساس غلو و غالی‌گری را تخریب و ویران کرد. ایشان تیشه به ریشه این عقاید باطل و منحرف زد، حجت را بر

همگان تمام کرد و عذر و بهانه‌ها را از آنها گرفت.

۴. بیان علل غلو و عاقبت غالی

شاید بتوان مهم‌ترین علت غلو را جهل، نادانی و کم‌ظرفیتی غلات دانست. چنان‌که وقتی شخصی علت خدا دانستن امیرالمؤمنین حضرت علی^۷ را معجزات آن حضرت^۷ می‌داند^{۱۰۸} امام رضا^۷ در پاسخ به او، در قسمتی از بیاناتش به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید:

*این گمراهان کافر چیزی جز از ناحیه جهل خود، به اندازه نفوس خود
نیاوردند تا این که تعجب‌شان از آن امور (معجزات) شدت یافت [از دیدن
معجزات به شدت تعجب کردند] و تعظیمشان به خاطر آن امور [معجزات] بسیار
شد [به خاطر اموری که از آنها پدید آمد، آنها (ائمه) را بسیار بزرگ
شمردند].^{۱۰۹}*

همان‌گونه که در این حدیث شریف ملاحظه می‌شود، عقل و درک غلات، تحمل دیدن معجزات را نداشته است و جهل، نادانی و کم‌ظرفیتی، آنان را گرفتار غلو کرده است.

درباره عاقبت کارغالی، مورد لعن و نفرین شدید خدا و ائمه: قرار گرفتن^{۱۱۰} چشیدن داغی آهن،^{۱۱۱} گرفتار شدن در هاویه^{۱۱۲} و هم‌نشینی غلات با فرعون و آل فرعون در شدیدترین و بدترین عذاب‌ها^{۱۱۳} از عواقب و نتایج اعمال غالیان شمرده شده است.

۵. ردّ برخی از احادیث و بیان چگونگی تشخیص احادیث صحیح از سقیم

غلات در راه رسیدن به اهداف خود و برای مشروع جلوه دادن افکار و عقاید پوچ و باطل خود از هیچ‌کاری روی‌گردان نبودند. آنان در این مسیر، حتی از جعل احادیث، چه در سلسله سند و چه در محتوا فروگذار نکردند. امام رضا^۷ در سخنان خود به این مطلب

اشاره کرده و توطئه‌های غلات را آشکار می‌کند. در ادامه به چند نمونه در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۱. زمانی که حسین بن خالد به حضرت امام رضا 7 از منتسب ساختن شیعیان به جبر و تشبیه و این که مردم به خاطر روایت‌های نقل شده از سوی ائمه: پیشین، شیعیان را قائل به جبر و تشبیه می‌دانند، شکایت کرد. حضرت 7 از وی پرسید:

آیا اخباری که از پیغمبر 6 درباره جبر و تشبیه روایت شده، بیشتر است یا

اخباری که از ائمه: روایت شده؟

حسین بن خالد در پاسخ گفت:

البته آن چه از رسول خدا 6 نقل شده، بیشتر است.

آن حضرت 7 فرمود:

بنابراین باید بگویند که خود آن حضرت 6 نیز قائل به جبر و تشبیه بوده است.

ابن خالد گفت:

آنان معتقدند رسول خدا 6 هیچ یک از آن سخنان را نگفته است و به او افترا

زده‌اند.

سپس حضرت 7 فرمود:

بنابراین باید درباره ائمه: نیز همین سخن را بگویند که آنان نیز هیچ کدام از

آن مطالب را نگفته‌اند، بلکه بر آنان افترا زده‌اند.

سپس حضرت 7 پس از کافر و مشرک دانستن قائلان به جبر و تشبیه و بیزاری جستن

از آنان در دنیا و آخرت، فرمود:

ای پسر خالد! اخبار جبر و تشبیه را غلات که عظمت خدا را کوچک

کرده‌اند، از قول ما جعل کرده‌اند.^{۱۱۴}

همان گونه که ملاحظه می‌شود، امام ۷ اخبار جبر و تشبیه را مردود می‌داند و آنها را جعلی و ساختگی معرفی می‌کند.

۲. حدیث‌هایی که دروغ بستن غالیان بر ائمه: ^{۱۱۵} را بیان می‌کرد و نمونه‌هایی از آن را آوردیم، شاهد دیگری بر جعل احادیث به دست غلات است.

۳. از یونس بن عبدالرحمن نقل شده که وی به عراق سفر کرد و در آن جا با تعداد زیادی از اصحاب امام باقر ۷ و امام صادق ۷ ملاقات نمود و از آنان حدیث شنید و کتاب‌هایشان را گرفت و زمانی که آن کتاب‌ها را بر امام رضا ۷ عرضه کرد، امام ۷ بسیاری از آن حدیث‌ها را انکار کرد و رد نمود و فرمود:

همانا ابوالخطاب بر امام صادق ۷ دروغ می‌بست. خدا، ابوالخطاب و یارانش

را لعنت کند که این احادیث را تا امروز در کتاب‌های اصحاب امام صادق ۷ به

صورت مخفیانه وارد می‌کنند. ^{۱۱۶}

سپس حضرت امام رضا ۷ برای ایجاد قدرت شناخت حق از باطل و چگونگی تشخیص و تمییز احادیث صحیح از سقیم و ساختگی، قواعدی را بیان فرمود که بدین شرح است:

پس آن چه مخالف قرآن است و به ما نسبت داده می‌شود، قبول نکنید؛ زیرا

اگر ما سخن و حدیثی بگوییم، موافق با قرآن و سنت است. ما از قول خدا و

رسولش حدیث می‌گوییم و هیچ‌گاه نمی‌گوییم که قال فلان و فلان، تا موجب

تناقض در کلام ما بشود. همانا سخنان آخرین ما، مانند سخنان اولین ماست و

کلام اولین ما تصدیق‌کننده کلام آخرین ماست. پس هرگاه حدیثی را نزد شما

آوردند که با این گفته‌ها مخالف بود، آن را به آورنده‌اش رد کنید و بگویید که

تو به آن چه آورده‌ای، آگاه‌تری؛ چرا که با هر گفته‌ای از ما حقیقتی است و بر آن

نوری، پس هر گفته‌ای که حقیقتی با آن نیست و نوری ندارد از گفته‌های شیطان

است. ^{۱۱۷}

۶. اظهار تنفر و بیزاری از غلات و لعن آنها

امام رضا 7 به مناسبت‌های مختلف، از جمله در دعا‌های خود، در هنگام حضور یارانش، در پاسخ به پرسش‌های آنها و در برخورد و گفت‌وگو با غالیان و دیگر افراد، همواره از غالیان بیزاری می‌جست و آنها را لعن می‌کرد. از آن جا که گوشه‌ای از این روایت‌ها را در کنار موارد دیگر آورده‌ایم در این جا به بیان دو نمونه بسنده می‌کنیم.

۱. امام 7 در برخورد با یکی از غالیانی که گفتار باطل و منحرف یونس بن ظبیان را در نزد آن حضرت 7 بیان می‌کرد، بسیار غضبناک شد و فرمود:

از نزد من بیرون برو که خدا، تو را و کسی که این حدیث را برای تو گفت و نیز یونس بن ظبیان را هزار مرتبه لعنت کند که در پی هر لعنتی، هزار لعنت باشد و هر لعنتی از این لعنت‌ها تو را به قعر جهنم فرو برد.^{۱۱۸}

۲. زمانی که مأمون به امام رضا 7 گفت: به من خبر رسیده است که قومی درباره شما غلو و از حد تجاوز کرده‌اند. امام 7 با استناد به آیه‌ها و روایت‌ها از این افراد بیزاری جست و در پایان فرمود:

کسی که برای پیامبران، ادعای خدایی کند یا برای ائمه، ادعای خدایی یا نبوت یا برای غیر ائمه: ادعای امامت کند، پس ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم.^{۱۱۹}

۷. فرمان قطع رابطه همه جانبه با غلات

امام رضا 7 هرگونه ارتباط با غلات را به شدت نهی و رد می‌کند چنان که دیدیم اصحابش را به لعن و بیزاری از آنها وا می‌دارد،^{۱۲۰} تا جایی که یاری دادن آنان (غلات) را حتی با کوچک‌ترین کلمه‌ای موجب خروج از ولایت خدا و پیامبر 6 و اهل بیت 7 می‌داند. این‌گونه تحریم شدید، بیان‌گر میزان خطر غالیان برای شیعه و تشیع است. در ادامه

روایت‌هایی از امام رضا 7 را در این باره می‌آوریم.

۱. با ایشان (غلات) ننشینید و تصدیق قول ایشان نکنید و از ایشان بیزار

جوید که خداوند از ایشان بیزار است.^{۱۲۱}

۲. «هرکس که با آنها (غلات و مفوضه) بنشیند، یا با آنها مخلوط شود یا با

آنها بخورد، یا با آنها بیاشامد، یا با آنها وصلت کند یا به آنان همسر دهد، یا از

آنان همسر برگزیند، یا امین آنان شود، یا آنان را بر امانتی، امین گرداند، یا

گفتارشان را تصدیق کند، یا به کوچک‌ترین کلمه‌ای آنها را یاری کند، از ولایت

خداوند - عزوجل - و ولایت پیامبر 6 و ولایت ما اهل بیت خارج شده است.^{۱۲۲}

چنان که ملاحظه می‌شود، آن حضرت 7 به تمام موارد با جزئیات آن اشاره می‌فرماید؛

مثلاً پس از تحریم وصلت کردن با آنها، دوباره به این که به آنان همسر ندهند یا از آنان

همسر اختیار نکنند، می‌پردازد که این نشان‌گر تأکید و شدت اهمیت مسئله است.

۳. امام رضا 7 در حدیثی، غلات را در جهت مخالف اهل بیت قرار داده و

می‌فرماید:

هر کس آنان را دوست بدارد. ما را دشمن داشته و هر کس آنان را دشمن

بدارد، ما را دوست داشته است و هر که با آنان دوستی نماید با ما دشمنی کرده

و هر که با آنان دشمنی کند با ما دوستی نموده است. هر کس با ایشان رابطه

برقرار کند با ما قطع رابطه کرده و هر که با آنان قطع رابطه کند با ما مرتبط

شده است. هر کس به ایشان بدی کند به ما نیکی کرده و هر کس به آنان نیکی

کند به ما بدی کرده است. هر کس ایشان را گرامی بدارد، به ما اهانت کرده و

هر کس به ایشان اهانت کند، ما را احترام نموده است. هر کس ایشان را قبول

کند ما را رد کرده و هر کس ایشان را رد کند ما را قبول کرده است. هر کس که

به آنان احسان کند به ما بدی کرده و هر کس به آنان بدی کند به ما احسان نموده است. هر کس آنان را تصدیق کند ما را به تکذیب کرده و هر کس که آنان را تکذیب کند ما را تصدیق نموده است و هر کس که به آنان عطا کند، ما را محروم کرده و هر کس آنان را محروم کند به ما عطا نموده است. ای پسر خالد! کسی که شیعه ماست، نباید از میان آنان برای خود دوست و یاورى بگیرد.^{۱۲۳}

نتیجه گیری

با وجود آن که در زمان امامت امام رضا 7، فرقه خاصی از غلات تشکیل نشد، در این دوره شاهد غالیان متعصبی هستیم. در حدیثی از امام رضا 7 مشاهده کردیم، آزار و اذیت غالیان بر آن حضرت 7 از آزار و اذیت غلات در زمان امام صادق 7 بیشتر بود با آن که شاید بتوان گفت در زمان امام صادق 7 اوج فعالیت فرقه معروف غلات بوده است. رسالتی که امام رضا 7 در برخورد و مبارزه با غالیان زمانش به انجام رساند، مانند رسالت جدّ بزرگوارش امام صادق 7 رسالتی همه جانبه، قاطع و کوبنده بود. به گونه‌ای که از نتایج پربار تلاش این امام بزرگوار می‌توان به کاهش آثار زیان‌بار غلات، حفظ شیعه و تشیع اصیل از عقاید باطل و خرافی منحرفان (غلات) و کوتاه کردن زبان دشمنان شیعه اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نعمت الله صفری فروشانی، *غالیان؛ کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم*، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵.
۲. محمد بن حسن طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، تحقیق میرداماد، محمدباقر حسینی، سید مهدی رجائی، قم: موسسه آل‌ال‌بیت، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۹ - ۴۹۱، رقم ۴۰۱.
۳. طوسی، *پیشین*، ص ۶۵۸، رقم ۶۷۴؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، الطبعة الثالثة المصححة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲۵، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.
۴. ر. ک: همان، ص ۶۵۷، رقم ۶۷۳؛ همان، ص ۲۶۴.
۵. محمد تقی تستری، *قاموس الرجال*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، قم: نشر مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۱۶۷.
۶. طوسی، *پیشین*، ص ۸۲۳، رقم ۱۰۳۳.
۷. احمد بن حسین بن غضائری، *رجال ابن الغضائری*، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۰۱.
۸. تستری، *پیشین*، ص ۱۶۸.
۹. برای آگاهی از فرق منشعب و برگرفته از خطابیّه ر. ک: ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، *الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلام*، ترجمه محمد جواد مشکور، چاپ چهارم، تهران: کتابفروشی اشراقی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱ - ۱۸۲؛ درباره ابوالخطاب ر. ک: حسن انصاری، ابوالخطاب، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۳۲ - ۴۳۶.
۱۰. برای نمونه، ر. ک: ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، *الغیبه*، تحقیق عبادالله طهرانی و

- علی احمد ناصح، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۹۰ - ۲۹۲.
۱۱. سیدابوالقاسم موسوی خوئی، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، تحقیق لجنة التحقيق، الطبعة الخامسة، بی جا؛ بی نا، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۶.
۱۲. محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثالثة، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ هـ، ج ۵، ص ۱۵۰.
۱۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، پیشین، ج ۲، ص ۵۸۴ - ۵۸۵، رقم ۵۲۴.
۱۴. سعد بن عبدالله ابی خلف اشعری قمی، المقالات والفرق، تصحیح و تعلیق محمد جواد مشکور، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۵۱.
۱۵. همان.
۱۶. ر. ک: همان، ص ۵۱ - ۵۲، ۶۳ - ۶۴.
۱۷. همان، ص ۸۱.
۱۸. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: مطبعة المرتضوية، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۱۷۰.
۱۹. طوسی، پیشین، ص ۸۲۹، رقم های ۱۰۴۶، ۱۰۴۸.
۲۰. همان.
۲۱. همان، ص ۸۲۹، رقم ۱۰۴۸.
۲۲. عبدالله مامقانی، پیشین.
۲۳. طوسی، پیشین، ص ۷۷۵، رقم ۹۰۶؛ اشعری قمی، پیشین، ص ۹۱.
۲۴. ر. ک: سید ابوالقاسم موسوی خوئی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۳۷.
۲۵. برای آگاهی از گفتار و اقدامات غالبانه وی پس از شهادت امام کاظم 7 ر. ک: طوسی، پیشین، ص ۷۷۴ - ۷۷۵، رقم های ۹۰۶، ۹۰۷.
۲۶. ر. ک: اشعری قمی، پیشین، ص ۵۶، ۶۰.
۲۷. ر. ک: طوسی، پیشین، ص ۷۷۸ - ۷۷۹، رقم های ۹۰۸، ۹۰۹.

۲۸. همان، ص ۷۷۹، رقم ۹۰۹.
۲۹. سید ابوالقاسم موسوی خوئی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۱۹.
۳۰. همان، ص ۳۱۹ - ۳۲۰.
۳۱. برای آگاهی بیشتر ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، *دانشنامه امام علی ۷*، ریز نظر علی اکبر رشاد، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۸۰ - ۳۸۵؛ ر. ک: همو، *غالیان، پیشین*، ص ۳۶ - ۳۴، ۳۵۹ - ۳۶۲.
۳۲. تستری، *پیشین*، ج ۸، ص ۲۱۹.
۳۳. سید ابوالقاسم موسوی خوئی، *پیشین*، ج ۱۸، ص ۱۵۱.
۳۴. تستری، *پیشین*، ج ۴، ص ۲۱۲.
۳۵. همان، ج ۵، ص ۵۵۳.
۳۶. همان، ج ۹، ص ۱۰۶.
۳۷. همان، ص ۱۷۷.
۳۸. همان، ص ۲۹۷.
۳۹. همان، ص ۳۳۷.
۴۰. ابی العباس احمد بن علی نجاشی، *رجال النجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، الطبعة الخامسة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۵۶.
۴۱. ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، *غالیان، پیشین*، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.
۴۲. اشعری قمی، *پیشین*، ص ۶۲ - ۶۳.
۴۳. ر. ک: همان، ص ۶۰؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، پیشین، ج ۲، ص ۷۷۶، رقم ۹۰۷.
۴۴. ر. ک: احمد بن علی طبرسی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق سید محمد باقر خراسان، نجف: دارالنعمان، ۱۳۸۶هـ، ج ۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.
۴۵. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا ۷*،

- تحقیق شیخ حسین اعلمی، الطبعة الأولى، بیروت: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۴/۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۷.
۴۶. اشعری قمی، پیشین، ص ۶۳.
۴۷. طوسی، پیشین، ص ۸۲۹، رقم ۱۰۴۸.
۴۸. ر. ک: همان، ص ۶۵۸، رقم ۶۷۴.
۴۹. ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، الطبعة الثالثة، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۱۵۶.
۵۰. غلام حسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۸۶۳.
۵۱. نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.
۵۲. اشعری قمی، پیشین، ص ۶۰؛ طوسی، پیشین، ص ۷۷۶، رقم ۹۰۷.
۵۳. طوسی، پیشین، ص ۷۸۷، رقم ۹۴۹.
۵۴. شهرستانی، پیشین.
۵۵. ر. ک: همان، ص ۲۳۳.
۵۶. اشعری قمی، پیشین، ص ۹۲.
۵۷. طبرسی، پیشین، ص ۱۹۸.
۵۸. نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۱۳.
۵۹. ر. ک: طبرسی، پیشین، ص ۱۹۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۵، ص ۲۶۶.
۶۰. محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: المكتبة الحیة، بی تا، ج ۵، ص ۷۱.
۶۱. برای آگاهی تفصیلی از معانی تفویض ر. ک: مجلسی، پیشین، ص ۳۲۸ - ۳۵۰؛ نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۲۴ - ۲۲۶.
۶۲. حشر (۵۹) آیه ۷.

۶۳. رعد (۱۳) آیه ۱۶.
۶۴. روم (۳۰) آیه ۴۰.
۶۵. صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۹.
۶۶. برای آگاهی بیشتر از معنای تفویض در امر دین، ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۲۵ و منابع یاد شده در آن جا.
۶۷. ر. ک: صدوق، پیشین.
۶۸. سیدحسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، چاپ اول، تهران: کویر، ۱۳۸۶، ص ۶۱ - ۶۲.
۶۹. اشعری قمی، پیشین، ص ۹۲.
۷۰. طوسی، پیشین، ص ۴۸۹ - ۴۹۱، رقم ۴۰۱.
۷۱. برای نمونه ر. ک: همان، ص ۵۹۱، رقم ۵۴۴.
۷۲. اشعری قمی، پیشین، ص ۶۳.
۷۳. نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۹۲.
۷۴. ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، تصحیح و تعلیق سید محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵، ص ۸۳؛ طوسی، پیشین، ص ۷۷۵، رقم ۹۰۶.
۷۵. برای آگاهی از جریان وقف بر امام کاظم ۷ ر. ک: م. علی بیوکارا، دو دستگی در شیعیان امام کاظم ۷ و پیدایش فرقه واقفه، ترجمه وحید صفری، علوم حدیث ش ۳۰، سال ۱۳۸۲؛ نعمت الله صفری فروشانی، زهرا بختیاری، امام رضا ۷ و فرقه واقفه، پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، تابستان ۱۳۹۱.
۷۶. اشعری قمی، پیشین، ص ۶۲ - ۶۳.
۷۷. همان، ص ۹۱ - ۹۲؛ نوبختی، پیشین، ص ۸۳؛ طوسی، پیشین، ص ۷۷۵، رقم ۹۰۷.
۷۸. اشعری قمی، پیشین، ص ۹۲.
۷۹. ر. ک: همان.

۸۰. همان، ص ۶۳.
۸۱. صدوق، عیون اخبارالرضا7، پیشین، ص ۲۱۷.
۸۲. طبرسی، پیشین، ص ۱۹۸.
۸۳. مجلسی، پیشین، ص ۲۶۶.
۸۴. جمعی از نویسندگان، آشنایی با فرق تشیع، چاپ اول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲.
۸۵. مجلسی، پیشین، ص ۲۶۵.
۸۶. طوسی، پیشین، ص ۸۲۹ رقم ۱۰۴۷.
۸۷. صدوق، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۲؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۶، ص ۲۳۹.
۸۸. طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۵، ص ۲۶۶.
۸۹. در عیون اخبارالرضا7، این عبارت چنین آمده است: «إلا كانوا يهودا، إلا كانوا مجوسا»، صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۸؛ در بحارالانوار در ترجمه عبارت چنین آمده است: «ألا كانوا مجوسا، أي هم شر من هؤلاء». [یعنی بدتر از...].
۹۰. صدوق، همان، ص ۲۱۸ - ۲۱۹؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۷۳.
۹۱. همان، ص ۲۱۹؛ همان، ص ۲۷۳ و ۳۲۸.
۹۲. طوسی، پیشین، ج ۲، ص ۸۲۹ رقم ۱۰۴۸؛ مجلسی، پیشین، ص ۳۱۹.
۹۳. مجلسی، پیشین، ص ۲۶۴.
۹۴. طوسی، پیشین، ص ۵۹۱، رقم ۵۴۴.
۹۵. طبرسی، پیشین، ص ۲۳۳.
۹۶. همان، ص ۲۳۴.
۹۷. ر. ک: صدوق، الاعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، مندرج در سلسله مؤلفات الشیخ المفید (۵)، الطبعة الثانية، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ هـ، ص ۱۰۰؛ مجلسی، پیشین، ص ۳۴۳.

۹۸. طبرسی، پیشین.

۹۹. برای آگاهی از این مثال و مقایسه و جایگاه غلات در آن، ر. ک: طبرسی، پیشین، ص

۲۳۲ - ۲۳۳؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۷۶ - ۲۷۸.

۱۰۰. ر. ک: طبرسی، پیشین، ص ۲۳۲ - ۲۳۴؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۷۴ - ۲۷۸.

۱۰۱. مجلسی، پیشین، ص ۲۶۸.

۱۰۲. همان، ص ۲۷۹.

۱۰۳. حشر (۵۹) آیه ۷.

۱۰۴. صدوق، عیون اخبار الرضا، پیشین، ص ۲۱۹.

۱۰۵. ر. ک: صدوق، الاعتقادات، پیشین، ص ۹۹ - ۱۰۰؛ مجلسی، پیشین، ص ۳۴۳.

۱۰۶. طبرسی، پیشین، ص ۱۹۸؛ مجلسی، همان، ص ۳۲۸ - ۳۲۹. لازم به ذکر است که تفویض در دو معنای اساسی مطرح است. یکی تفویض معتزلی و دیگری تفویض غلوی. تفویض معتزلی که از عقاید معتزله است در مقابل جبر که از عقاید اشاعره است، قرار دارد. تفویض معتزلی به معنای این است که انسان در اعمال خود، به طور کامل آزاد و مختار است تا هر کاری که می‌خواهد انجام دهد و خداوند در اعمال او هیچ نقشی ندارد. این تفویض در مقابل جبر اشاعره قرار دارد که معتقد بودند که همه افعال بندگان منسوب به خداست و آنها مجبور اراده الهی هستند. (برای آگاهی بیشتر ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۲۴).

اما تفویض غلوی به معنای آن است که خداوند خلقت و رزق به بندگان را به پیامبر ۶ و ائمه ۷ واگذار کرده است. با توجه به حدیث منقول «لا جبر ولا تفویض» با آمدن تفویض در کنار جبر، و به خصوص آمدن «بل امر بین الامرین» پس از آن، به نظر می‌رسد که این تفویض به معنای تفویض معتزلی است. هر چند که می‌توان جبر را از آموزه‌های غلات نیز دانست و در کنار تفویض از آموزه‌های آنان در نظر گرفت. (برای آگاهی از معانی تفویض، ر. ک: مجلسی، همان، ج ۲۵، ص ۳۲۸ - ۳۵۰؛ نعمت الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۲۲۴ - ۲۲۶).

۱۰۷. طبرسی، پیشین.

۱۰۸. مجلسی، پیشین، ص ۲۷۶.
۱۰۹. همان؛ طبرسی، پیشین، ص ۲۳۲.
۱۱۰. ر. ک: طوسی، پیشین، ص ۶۵۸، رقم ۶۷۳؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۶۴.
۱۱۱. طوسی، پیشین، ص ۵۹۱، رقم ۵۴۴؛ ص ۸۲۹، رقم‌های ۱۰۴۷، ۱۰۴۸.
۱۱۲. مجلسی، پیشین؛ «هاویه، همان آتش سوزنده و گدازنده [جهنم] است». القارعه (۱۰۱) آیه ۱۱.
۱۱۳. طوسی، پیشین، ص ۶۵۸، رقم ۶۷۳؛ مجلسی، پیشین.
۱۱۴. طبرسی، پیشین، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.
۱۱۵. به عنوان نمونه، ر. ک: طوسی، پیشین، ص ۵۹۱، رقم ۵۴۴.
۱۱۶. شدت توطئه غلات، چنان پیش‌رفته بود که شخصیت ژرف‌نگری مثل یونس بن عبدالرحمن، نیز در ابتدا تحت تأثیر این احادیث قرار می‌گیرد و آن‌ها را جمع‌آوری می‌کند اما در درونش نوعی شک و شبهه باقی می‌ماند که برای از بین بردن آن، به امام 7 مراجعه می‌نماید و آن احادیث را بر آن حضرت 7 عرضه می‌کند. (نعمت‌الله صفری فروشانی، پیشین، ص ۳۳۲).
۱۱۷. طوسی، پیشین، ص ۴۸۹ - ۴۹۱؛ رقم ۴۰۱.
۱۱۸. همان، ص ۶۵۸، رقم ۶۷۳؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۶۴.
۱۱۹. صدوق، عیون اخبارالرضا 7، پیشین، ص ۲۱۷.
۱۲۰. ر. ک: طوسی، پیشین، ص ۸۲۹، رقم ۱۰۴۷.
۱۲۱. صدوق، پیشین، ص ۲۱۹؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۷۳.
۱۲۲. همان؛ همان، ص ۲۷۳ - ۳۲۸.
۱۲۳. طبرسی، پیشین، ص ۱۹۹.